

سنجش دینداری با رهیافت بومی

دکتر سیدحسین سراجزاده*

محمدرضا بویافر**

چکیده

در این مطالعه، تلاش شده است تا با الگوی جامعه‌شناختی ایرانی رهیافتی بومی برای سنجش دینداری پیش نهاده و میزان دینداری یک نمونه دانشجویی مطالعه شود. روش اجرای پژوهش پیمایش بوده و نمونه ۳۵۲ نفر از دانشجویان سمنانی بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین دینداری نمونه مذکور در سطحی بالاتر از متوسط قرار دارد. در میان ابعاد چهارگانه دینداری، بعد اعتقادات دینداری دانشجویان در سطحی بالاتر از سایر ابعاد دینداری قرار دارد. در مقابل، میانگین دینداری در بعد عبادات کمتر از سایر ابعاد دینداری و در سطح متوسط است. همچنین، میانگین مؤلفه‌های ابعاد دینداری در الگوی سنجش دینداری بومی نشان می‌دهد که میانگین مؤلفه‌های فردی دینداری پایین‌تر از مؤلفه‌های جمعی آن است.

واژگان اصلی: اخلاقیات، اعتقادات، الگوی شجاعی‌زند، دینداری، شرعیات، عبادات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه تربیت معلم

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و پژوهشگر جهاد دانشگاهی استان سمنان

مقدمه

سنجش دینداری همواره یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران مسایل اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسان دین است و بر همین اساس، تلاش و اهتمام فراوانی می‌شود. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که سنجش دقیق دینداری در نهایت منجر به تحلیل و شناخت بهتر رابطه این مفهوم با متغیرهای دیگر و بررسی دقیق‌تر عوامل و زمینه‌های مؤثر بر افزایش یا آن کاهش سطح دینداری یا آن اوضاع و تغییرات خاص اجتماعی می‌شود که به نوعی متأثر از میزان دینداری جامعه‌اند. کلاً دو رویکرد عمده در پژوهش‌هایی که به نوعی به سنجش دینداری می‌پردازند وجود دارد. طرفداران رویکرد نخست عقیده دارند می‌شود الگویی برای سنجش دینداری عرضه کرد که با جرح و تعدیل‌هایی در جوامع گوناگون و برای پیروان همه ادیان قابل استفاده باشد. در مقابل، رویکرد دوم قایل به این است که برای هر جامعه یا دست کم گروهی از جوامع که مردم آن پیرو یک دین خاص‌اند، باید الگوی خاص آن دین عرضه شود. طرفداران این رویکرد حتی به ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی هر جامعه برای ساخت الگوی سنجش دینداری توجه می‌کنند.

با توجه به استمرار بحث‌های علمی درباره سنجش دینداری در چارچوب رهیافت عام‌گرایانه یا استفاده از الگوهای بومی، در این مطالعه برآنیم تا با استفاده از یکی از الگوهای معتبر عرضه شده از سوی جامعه‌شناسان ایرانی برای سنجش دینداری مسلمانان، دینداری نمونه‌ای از دانشجویان استان سمنان را بررسی کنیم. الگوی یادشده که حاصل مطالعات دکتر شجاعی‌زند، از پژوهشگران جامعه‌شناسی دین در ایران است، برای دومین بار در کشور در این پژوهش به محک تجربه در می‌آید. در این مطالعه اختصاصاً برای نخستین بار با راهنمایی و تأیید نهایی شجاعی‌زند درباره گویه‌های سنجش نهایی، پرسشنامه مورد تأیید طراح این الگو ساخته و به کار برده شده است. بررسی تجربی نتایج حاصل از استفاده از الگوی شجاعی‌زند برای سنجش دینداری می‌تواند در مقایسه با نتایج پژوهش‌های دیگر، توانایی‌های این الگوی بومی را در سنجش دینداری مسلمانان ایران، به ویژه درباره یک جمعیت جوان دانشجو بهتر ارزیابی کند.

تعریف دینداری

تعریف مفهومی: تأملات متفکران در گذشته بیشتر معطوف به محتوای دین و سرگذشت تاریخی ادیان بوده‌است و کمتر به سراغ مباحثی چون دینداری و تغییرات آن رفته‌اند که منوط به مطالعه در احوال فردی است. در ادوار اخیر، با اهمیت یافتن «عینیت» در دانش و «فردیت» در جامعه و رشد جریان‌های عرفی، بررسی وضع جامعه و تغییرات دینداری موضوعیت پیدا کرده و متفکران دین‌پژوه را به واکاوی و معرفی شاخص‌هایی برای آن مشغول ساخته است. در واقع، دینداری واژه‌ای ملازم با دین است؛ به گونه‌ای که هرگاه در باب تعریف دین به صورتی مبسوط بحث و نتیجه‌گیری شود، تعریف دینداری نیز بر این بنای مفهومی، یعنی تعریف دین، استوار خواهد شد. به عبارت دیگر، تعریف دینداری - با فرض فارغ‌شدن از مسئله تعریف دین - امری است که کمتر محل اختلاف و مناقشه است؛ زیرا به صورتی به حضور دین دلالت می‌کند.

دینی بودن^۱ عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین از یک سو خود را ملتزم به رعایت فرمان‌ها و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین، به دوطریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت؛ یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری «پیامد» دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. دغدغه اصلی گرهارد لنسکی و اخلاف او، بررسی همین تأثیرات دین و دینداری بر زندگی جاری و نهادهای عرفی است. پس به بیانی کلی‌تر، دینداری یعنی داشتن «اهتمام (التزام) دینی»^۲ به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. نوع و جهت تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند. بنابراین کشف و شناسایی این امر مستلزم مطالعات درون‌دینی است، اما عمق و شدت تأثیرگذاری و روند تغییرات آن، مشخصاتی است که از طریق واری‌های بیرونی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به دست می‌آید و لاجرم در آن از روش‌های تجربی-مقایسه‌ای استفاده می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۵ و ۳۶).

تعریف عملیاتی: همه سنجه‌های عرضه شده برای مفاهیم گوناگون از سوی پژوهشگران حوزه‌های گوناگون علمی، به ویژه روانشناسان و جامعه‌شناسان، کمابیش حاصل الگویی نظری است که حیطة تمایز و تقسیم‌بندی آن مفهوم را مشخص می‌کرده‌اند. بدون داشتن مبنایی نظری نمی‌توان تفکیک و تمایز دقیق و قابل اتکایی میان ابعاد دینداری قایل شد. در این حالت، یگانه فرض نقیض تک بعدی انگاشت دینداری است، چنان که گفتیم، امروزه دیگر از مباحث منسوخ در سنجش بسیاری از مفاهیم اجتماعی، از جمله دینداری، است. البته بدون داشتن مبنا یا الگویی نظری مستحکم نیز می‌توان اقدام به سنجش دینداری کرد، اما در این صورت، اولاً نمی‌توانیم ادعا کنیم که پژوهش ما معطوف به استفاده از یک سنجه دینداری علمی است و دوم این که پژوهش صورت گرفته در حد مطالعه‌ای تجربی باقی‌مانده و هیچ گاه نمی‌تواند به عنوان سنجه‌ای مدون و قابل کاربرد در پژوهش‌های متعدد مطرح باشد، زیرا در هر حال فقط پاسخگوی اقتضات یک پژوهش خاص یا حداکثر پژوهش‌هایی کاملاً مشابه با پژوهش انجام شده خواهد بود.

بنابراین، اگر مفهومی مانند دینداری را، به فرض رایج، مفهومی چند بعدی در نظر بگیریم، برای آن که مشخص سازیم این مفهوم شامل چند بعد می‌شود و هر بعد چه معرف‌هایی را برای سنجش دربر می‌گیرد، باید الگویی نظری برای سنجش آن مفهوم ترسیم کنیم. بر مبنای این الگوی نظری می‌توانیم برای هر یک از معرف‌های ابعاد گوناگون مفهوم مورد سنجش گویه‌های مناسب را در نظر گرفته و به این ترتیب پرسشنامه یا ابزار سنجش لازم را بسازیم.

از آنجا که سنجش دینداری موضوعی خاص در حوزه دین‌پژوهی محسوب می‌شود، بنابراین مانند سنجش بسیاری دیگر از مفاهیم و سازه‌های اجتماعی مستلزم اندازه‌گیری یک مفهوم در قالب اعداد و آماره‌های مناسب است. بنابراین، هرچند برای پژوهش‌های حوزه دین و حتی گاه برای شناخت برخی ابعاد

1- Religiousness

2- Religious Commitment

دینداری، روش‌های کیفی نیز کمک خوبی است. اما برای آنچه که در این مجال مورد نظر ماست، یعنی سنجش دینداری روش بهتری است، زیرا هدف اصلی در این گونه از مطالعات، سنجش میزان دینداری افراد، در مقام سازه اجتماعی، در کل جامعه است.

از اوایل دهه ۶۰، که گرهارد لنسکی نخستین الگوی دینداری را پیشنهاد کرد، تاکنون ابعاد و شاخص‌های دینداری تحولات بسیاری را به خود دیده‌است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۴). در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دینداری توجه نشده است. هر چند مفهوم دینداری پیش از سال ۱۹۶۰ در پژوهش‌های علوم اجتماعی به کار رفت و تعریف عملیاتی شد، ولی چارچوب تحلیلی لازم برای تعریف عملیاتی این مفهوم در طول دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. سپس، در دهه ۱۹۷۰، با پذیرش نگرش‌ها و تکنیک‌های جدید، پژوهش درباره این موضوع به سرعت رشد پیدا کرد. اکنون در پرتو مطالعات متعدد، پژوهشگران به موضوعی نسبتاً مشترک رسیده‌اند و اظهار می‌دارند دین و در نتیجه دینداری، پدیده‌هایی چند بعدی‌اند.

با مقایسه دو رهیافت جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در تعریف عملیاتی دینداری، به نظر می‌رسد رویکرد اول در پی عرضه نوعی سنخ‌شناسی توصیفی از پایبندی دینی باشد که بر ویژگی‌های تعامل اجتماعی فرد معتقد مبتنی است. در حالی که رویکرد دوم عمدتاً به دنبال عرضه نوعی سنخ‌شناسی علی است که در آن انگیزه فرد معتقد در کنار گرایش او به نوعی باور دینی در نظر گرفته می‌شود. در هر حال، این دو رویکرد دو سر یک طیف‌اند. همچنان که بسیاری از دانشمندان این دو را در یک الگو قرار داده‌اند. باید اشاره کرد که هر چند دورکم دین را محصول وجدان اجتماعی جامعه در نظر می‌گیرد که به حفظ نظم اجتماعی در جوامع سنتی کمک می‌کند، مفهوم‌سازی و تعریف عملیاتی دینداری در ادبیات جامعه‌شناسی دین ناظر به صفات افراد است، نه صفت گروه‌ها و جوامع. بنابراین، تعریف عملیاتی دینداری در ادبیات علوم اجتماعی بیشتر در حوزه روان‌شناسی اجتماعی دنبال می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳ الف: ۸۵-۶۲).

الگوها و سنجه‌های دینداری

۱. سنجه‌های دینداری در غرب

به سبب آنکه زادگاه جامعه‌شناسی و نیز حوزه جامعه‌شناسی دین، اروپا و امریکا بوده‌است، نخستین تلاش‌ها برای عملیاتی کردن مفهوم دینداری و ساخت سنجه‌های دینداری نیز در غرب شکل گرفته است. از این روست که هنوز هم این سنجه‌ها، با وجود آن که در زمینه‌ای مسیحی - غربی ساخته و عرضه شده‌اند، رواج و کاربرد فراوان دارد. به ویژه اینکه برخی از این سنجه‌ها با وجود ملاحظه خاص‌گرایی که گفتیم، یعنی اینکه بیشتر با نگاه به دین مسیحیت شکل گرفته‌اند، به صورت عام درباره جوامع و پیروان ادیان گوناگون نیز به کار رفته است.

در این باره یکی از قدیمی‌ترین کارهای صورت گرفته در ساخت سنجه‌های دینداری را بروئن (۱۹۵۷)^۱ صورت داده است که مقیاسی را با عنوان «فهرست نگرش دینی RAI»^۲ تدوین کرد. این مقیاس دین را به عنوان سازه‌ای چند بعدی مطالعه می‌کند و شامل ۵۸ گویه با دو گزینه A و D برای موافقت و عدم موافقت پاسخگو است.

پس از بروئن، یکی از آثار عمده در ساخت سنجه‌های دینداری مربوط به گرهارد لنسکی (۱۹۶۱)^۳ است. سنجه او «مقیاس جهت‌گیری دین و مشارکت در امور دینی» نام دارد. در اینجا، برای دینداری چهار بعد در دو بخش جهت‌گیری دینی و مشارکت در امور دینی در نظر گرفته شده است (هیل و هود، ۱۹۹۸). اما شاید سنجه ساخته شده به دست گلاک و استارک مهم‌ترین کاری است که به نوعی بر همه مطالعات حوزه سنجش دینداری اثر داشته است. «مقیاس تعهد دینی» گلاک و استارک^۴ (۱۹۶۶) به نوعی پرکاربردترین سنجه غربی در پژوهش‌های دینداری جامعه‌شناسان داخلی است. این سنجه پنج بعد باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها را برای دین در نظر می‌گیرد. در مجموع، ۴۸ گویه در ۷ بخش تنظیم شده است (هیل و هود، ۱۹۹۸). یکی از نموده‌های تاثیر کار گلاک و استارک در سنجش دینداری را می‌توان در سنجه فالکنر و دی‌جانگ (۱۹۶۶)^۵ که مقیاس پنج بعدی دینداری، با عنوان اختصاری FDSR^۶ است، مشاهده کرد. این سنجه دینداری را با ابعاد اصلی که گلاک مشخص کرده می‌سنجد؛ یعنی ابعاد عقیدتی (باور)، عقلانی (دانش)، مناسکی (رفتار دینی)، تجربی (احساسات و هیجان) و پیامدی (آثار دینداری در زندگی فردی) (فالکنر و دی‌جانگ، ۱۹۶۶؛ هیل و هود، ۱۹۹۸).

کینگ و هانت^۷ نیز «مقیاس متغیرهای دینی» را در ۱۹۷۲ عرضه کردند. در این سنجه، برای سنجش دینداری ۱۰ بعد در نظر گرفته شده که در قالب ۶ مقوله (اعتقادی، عبادت، مشارکت در جماعت مومنان، دانش دینی، جهت‌گیری به دین و چشمگیر بودن رفتار و شناخت) و ۵۸ گویه به کار می‌رود. در سال ۱۹۷۶ نیز دی‌جانگ و همکارانش «مقیاس ابعاد میان فرهنگی دینداری» را تدوین کردند. این مقیاس در زمینه سنجش باورها، تجربه، اعمال و دانش دینی و پیامدهای اخلاقی فردی و اجتماعی دین برحسب مقوله‌های پنج گانه «گلاک و استارک» ساخته شده است.

از میان مهم‌ترین تلاش‌های علمی چند قرن اخیر نیز می‌توان به کار کورنوال^۸ و همکارانش (۱۹۸۶) اشاره کرد که «مقیاس دینداری DOR» نام دارد. در این مقیاس، ابعاد شناختی (دانش) و عاطفی و رفتاری از هم متمایز شده‌اند (هیل و هود، ۱۳۸۲).

-
- 1- Broen, W.E
 - 2- Rligious Atitute Inventory
 - 3- Lenski, G.
 - 4-Glock, C. & Stark, R.
 - 5- Fulkner G.E. & Dejong, G.
 - 6- Five-Dimension Scale of Religiosity
 - 7- King, M.B. & Hunt, R.A.
 - 8- Cornwall

همچنین، با وجود مشابهت‌های فراوان در ساخت دینی جوامع اروپایی، برخی پژوهشگران به ساخت مقیاس‌های انطباق یافته با ویژگی‌های یک جامعه خاص پرداخته‌اند. برای نمونه، کالدستاد و استیفودهانسن به ساخت مقیاس سنجش دینداری برای نروژی‌ها پرداخته‌اند. آنها با بررسی برخی خصوصیات روان‌سنجی ۳۵۸ گویه را روی ۴۷۱ نمونه خود معرف مسیحی اجرا کرده‌اند (کالدستاد و استیفوس هانسن، ۱۹۹۳).

۲. سنج‌های دینداری مسلمانان

بیشتر تلاش‌هایی که در غرب برای ساخت مقیاس‌های سنجش دینداری انجام گرفته مبتنی بر زمینه یا سنتی مسیحی است. از این رو، بسیاری معتقدند که این مقیاس‌ها نمی‌توانند مبنای خوبی برای سنجش دینداری سایر ادیان، از جمله اسلام، باشند. امروزه پژوهشگران مسلمان با علاقه و حساسیت قابل تقدیری به پژوهش در زمینه دین، دینداری و عملیاتی کردن مولفه‌های آن روی آورده‌اند. مثلاً می‌توان به تلاش البلیخی (۱۹۹۷)، پژوهشگر عرب، در ساخت سنج‌های دینداری برای سنجش دینداری مسلمانان اشاره کرد. او تلاش کرده است تا مقیاسی جدید برای سنجش دینداری در میان مسلمانان عرضه کند. در این اثر، دو مقیاس موجود دیگر نیز مورد استفاده شده است.

در ادامه تلاش‌های برخی از پژوهشگران در تدوین سنج‌های ویژه مسلمانان، پژوهشگران ایرانی نیز الگوهایی را برای سنجش دینداری به کار برده‌اند. در میان پژوهش‌های داخلی می‌توان الگوهای عرضه شده در تعریف عملیاتی دینداری را به طور کلی به دو حوزه الگوهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تفکیک کرد. تمایز دیگری که باید قایل شویم، تفکیک پژوهش‌هایی که در آن محقق دست به ساخت سنج‌های جدید بر مبنای مدل نظری خود می‌زند از پژوهش‌هایی است که محقق صرفاً سنج‌های خود را از یک الگوی دیگر استخراج و ویرایش کرده و آن را به کار می‌برد. صرف نظر از مقیاس‌هایی که برای استفاده در پژوهش‌های خاص و مقطعی از سوی پژوهشگران ساخته و عرضه شده است، دو مقیاس روان‌شناختی خدایاری فرد و گلزاری مهم‌ترین و معتبرترین مقیاس‌های روان‌شناختی‌اند که در داخل کشور بر مبنای طرح مطالعاتی ویژه‌ای برای سنجش دینداری تدوین شده‌اند. الگوی جامعه‌شناختی شجاعی‌زند نیز، که مبنای ساخت ابزار سنجش دینداری در این مطالعه است، پیش از این به طور جداگانه تشریح شده است.

گلزاری (۱۳۸۴) مقیاسی را با عنوان مقیاس معبد ۲ عرضه کرده است. آزمون معبد با ۲۵ سوال در سال ۱۳۷۹ ساخته شد و در اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان (۱۳۸۰) عرضه شده و به عنوان وسیله‌ای معتبر و کارآمد تاکنون در ده‌ها پژوهش علمی مورد استفاده قرار گرفته است.

پس از بررسی پژوهشگرانی که از آزمون معبد استفاده کرده بودند و اظهار نظر صاحب‌نظران در این زمینه، مقیاس معبد ۲ در نهایت با ۸۱ پرسش که ۶ زمینه عمل به واجبات، دوری از محرّمات، عمل به مستحبات، دوری از مکروهات، انجام فعالیت‌های مذهبی و تصمیم‌ها و انتخاب‌های مبتنی بر دین را با در نظر گرفتن اعمال رایج در میان مسلمانان معاصر می‌سنجد، ساخته شد. نکته مهم درباره کار گلزاری این است که او اساساً بر سنجش عمل و رفتار دینی متمرکز می‌شود و معتقد است که سنجش اعتقادات و باورهای دینی واریانس قابل توجهی نخواهد داشت.

سنجه عرضه شده از سوی خدایاری فرد مبتنی بر مطالعه تجربی در میان جمعیت دانشجویان است. به عبارت دیگر، او مقیاس سنجش دینداری خود را پس از ساخت به آزمون تجربی نهاده است. نخستین تلاش او در این باب به سال ۱۳۷۸ در پژوهشی با عنوان «تهیه مقیاس اندازه گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان» برمی‌گردد. در آخرین تلاش خدایاری فرد برای اصلاحات نهایی مقیاس سنجش دینداری، پژوهشی با عنوان «آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری دانشجویان» در سال ۱۳۸۵ با همراهی یک گروه علمی از پژوهشگران روان‌شناس و همکاری «انستیتو روان‌پزشکی و مرکز تحقیقات بهداشت روان» انجام شده است.

تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش خدایاری فرد: تعریف دینداری در این الگوی سنجش مبتنی بر سه بعد «شناخت و باور دینی»، «علاق و عواطف دینی» و «التزام و عمل به ظایف دینی» است.

الف) شناخت و باور دینی:

الف-۱) شناخت: به معنای دانش اصول دین یعنی یقین به خدا، آخرت، پیامبران و آگاهی از فروع دین است.

الف-۲) باور: باور به معنای پذیرش، اقرار و تصدیق قلبی نسبت به اصول و شرایع دین است.

ب) **علاق و عواطف دینی:** شامل کلیه احساسات و عواطف مثبت و منفی است. عواطف مثبت در جهت شناخت و پذیرش قلبی نسبت به پروردگار یکتا و اولیای او، مؤمنان و همه دینداران، احکام دین، جهان هستی و جهان پس از مرگ در فرد دیندار پدید می‌آید. عواطف منفی تحت تأثیر محبت به خدا و دین خدا نسبت به دشمنان دین الهی و پیامبران و اولیای آن مطرح می‌شود.

ج) **التزام و عمل به وظایف دینی:** فرد دیندار در پی به پدید آمدن معرفت و احساس عاطفی نسبت به پروردگار، انبیاء و اولیای دین، انجام تکالیف و احکام دینی را در حیطه شخصی، اجتماعی و اقتصادی بر خود بایسته می‌داند (خدایاری فرد، ۱۳۸۵).

۳. الگوی سنجش دینداری شجاعی‌زند

از آنجا که الگوهای غربی موجود برای دینداری عموماً تفاوت‌های میان ادیان و پیروان آنها را در جوامع گوناگون نادیده انگاشته و برحسب دین مسیحیت طراحی و تدوین شده‌اند، شجاعی‌زند در پی آن برآمده تا بر مبنای اصول دین اسلام، اوضاع اجتماعی ایران و در نظر گرفتن اصول لازم برای الگوی جامع سنجش دینداری، ابعاد متفاوت دین را از دیدگاه جامعه‌شناختی متمایز و تبیین کند. از آنجا که به اعتقاد این جامعه‌شناس، دینداری دارای ابعاد و اجزایی منبعث از وجوه متفاوت دین است که به نوبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان قرار می‌گیرد، لذا او تلاش دارد تا الگوی پیشنهادی‌اش از یک سو نشان‌دهنده نسبت‌های منطقی میان این مقولات باشد و از سوی دیگر، علاوه بر ابعاد، تجلیات دینداری مانند آثار و پیامدهای عمیق آن را که در سنجش به کار می‌آیند، نمایان سازد.

از این نظر، از آنجا که دین برای انسان است، نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجود انسان باشد. بنابراین، برای آنکه ابعاد دین و دینداری را به ابعاد وجودی انسان مرتبط کرده و الگویی برای

سنجش دینداری در ایران بسازیم، اکتفا به آرای اجتماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در این باره می‌تواند ما را در جهت رسیدن به هدف کمک کند. این از آن روست که اختلاف نظر در چیستی دینداری یک دعوای کلامی است که تنها با مراجعه به متن مقدس یک آیین یا بررسی تجربه و تعالیم نخستین آن قابل رفع است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۷ و ۳۸).

درباره ابعاد دین در اسلام نیز در برخی موارد تعبیر متفاوتی وجود دارد که از سه بعد «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» تا پنج بعد «عقیده»، «ایمان»، «عبادیات»، «اخلاق» و «شریعت» (فقه) را در بر می‌گیرد. بر این اساس، پژوهشگر با تلقی دین به مثابه تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد و پیگیری آن از طریق ابعاد تفصیل یافته‌اش، یعنی عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت، پنج بعد را برای دینداری در نظر می‌گیرد که شامل معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، عمل اخلاقی و تشریح است.

شجاعی‌زند بعد معتقد بودن (اعتقادات) را از مؤمن بودن (ایمانیات) متمایز می‌کند. او معتقد است «عقیده» محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسایل غایی حیات است. اما «ایمان» شدت تعلق و عمق دل‌بستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا را می‌رساند. با این که درهم‌تنیدگی و تلازم این ابعاد امکان دستیابی به صورت خالص و ناب آنها را دشوار ساخته و تعریف یکی را بدون استناد و اتکای به دیگری ناممکن کرده است، اما با تأمل در وجه اصلی هر یک از این دو مفهوم نزدیک آشکار می‌شود که عقیده از بعد ذهنی وجود انسان و ایمان از بعد روانی — عاطفی ناشی شده است. به همین شکل، نخستین مفهوم به وجه معرفتی و دومی به وجه عاطفی دین نزدیک‌تر است (همان: ۵۸).

طبیعی است که برای ساخت سنجه یا سنجه‌های معیاری که بتوانند تجلیات دین را در همه ابعاد وجودی فرد و عرصه‌های گوناگون زندگی اندازه‌گیری کنند، علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح شده دینداری که حکم حداقل‌های دینداری را دارند، می‌توان آن را از طریق آثار و نشانه‌ها و همچنین پیامدهای عمیق‌تر آن نیز سنجید. از آثار و نشانه‌های دینداری می‌توان به اهتمام فرد در بالابردن دانش و معلومات دینی خود، داشتن ظاهر دینی، اقامه و برپایی شعایر و اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. پیامدهای عمیق دینداری را، که همانا هدف غایی ادیان در متحول ساختن انسان است، باید در کسب بینش الهی، تعمیق ایمان و تجلیاتش در نیل به قدرت کشف و شهود (صورت فخیم همان چیزی که در نوشته‌های امروزه به تجربه دینی مشهور است)، به چنگ آوردن ملکه تقوا و در ملکات اخلاقی حُسبیت که به ترتیب به روابط فرد با خدا، با خود و با دیگران مربوط است. این مجموعه به صورتی خلاصه در الگوی زیر، به شکلی که یک دستگاه منسجم مفهومی را پدید آورد و مراتب و پیوند میان اجزای آن را نیز نشان دهد، آورده شده است.^۱

جدول ۱. الگوی سنجش دینداری در سنجش شجاعی‌زند

ابعاد وجودی انسان	وجوه ترکیبی دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پیامدهای دینداری
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	واجد بینش الاهی
	معرفتی / عاطفی	ایمانیات	مؤمن بودن	-	اهل معنا
روان	عاطفی / عملی	عبادیات	عبادت کردن	انجام عبادت	عابد
				انجام جمعی عبادت	
تن	ارادی	اخلاقیات	اخلاقی عمل کردن	-	متخلق
	عملی	شرعیات	متشرع بودن	داشتن ظاهر دینی ابراز هویت دینی داشتن اهتمام شعایری داشتن مشارکت دینی داشتن معاشرت دینی اهتمام دینی در خانواده در تعاملات اجتماعی در معاملات اقتصادی	متمقی
			عمل به تکالیف فردی		
			عمل به تکالیف جمعی		

براساس الگوی بالا، سه دسته شاخص به هم مرتبط و در عین حال متفاوت وجود دارد که می‌توان به کمک آنها دینداری فرد را سنجید. در عین حال، به زعم شجاعی‌زند، تشخیص میزان دینداری به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه به عنوان شیوه‌ای رایج، حداکثر امکان سنجش دو دسته نخست، یعنی «ابعاد تصریح شده» و «آثار و نشانه‌های دینداری» (ستون‌های ۴ و ۵ جدول)، را فراهم می‌کند؛ آن هم نه در همه موارد. بررسی و سنجش پیامدهای عمیق دینداری (ستون ۶) به دلیل بلاوصف بودن یا امتناع فرد از ابراز- به سبب فروتنی و یا رازداری - عملاً از این طریق ناممکن است. ناتوانی پیمایش و پرسشنامه از کشف و دریافت حالات و صفات مؤمن البته مانع از آن نبوده است تا پژوهشگران به سراغ سنجش برخی از وجوه دسته اخیر نروند. این امر که بیشتر درباره «تجربه دینی» صورت گرفته، با تقلیل آن به یکی از ابعاد دینداری ممکن شده است؛ آن هم به این شکل که گزارش مومن از حالات و صفات خود در پاسخ به سوالاتی چون احساس حضور خداوند و نزدیکی به او معتبر و کافی دانسته شده است

(شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۲). از آنجا که الگوی پیشنهادی شجاعی‌زند بسیار کمتر از سنج‌های دیگر به محک تجربه در آمده است، باید در خصوص توانایی یا عدم توانایی آن در سنجش دینداری پژوهش‌های تجربی بیشتری صورت گیرد. ضمن اینکه در این الگو، برخی از ابعاد دینداری در تعریف عملیاتی غیر قابل سنجش معرفی شده‌اند. گویه‌های سنج‌های نهایی مورد استفاده به تفکیک ابعاد دینداری و مولفه‌های این ابعاد در این پژوهش در جدول انتهایی متن آمده است. این سنج شامل ۲۹ گویه است که از این میان، دو گویه اختصاصی، یکی برای زنان و دیگری برای مردان، وجود دارد. بنابراین، هر پاسخگو به ۲۸ سوال پرسشنامه نهایی پاسخ داده‌است. دو سوال نیز به سنجش معلومات دینی پاسخگویان اختصاص دارد. به جز این سوالات، سایر سوالات پرسشنامه با طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، که در برخی موارد چهار گزینه‌ای شده است، سنجیده شده‌اند. در نهایت، با ارتقای سطح سنجش گویه‌های این سنج از رتبه‌ای به فاصله‌ای، نمره کل دینداری و نیز ابعاد آن بین ۱ تا ۵ محاسبه شده است.

روش پژوهش

نوع مطالعه

به اقتضای موضوع مورد پژوهش و اهداف آن که بررسی میزان دینداری نمونه‌ای مشخص است، نوع مطالعه ما لاجرم مطالعه‌ای کمی بوده است. علاوه بر این، از آنجا که ابزار گردآوری داده‌ها بر اساس این سنج پرسشنامه است، نوع مطالعه ما در مقام گردآوری اطلاعات پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز متناسب با نوع مطالعه پیمایشی «پرسشنامه» است.

جمعیت و نمونه آماری

در این مطالعه، جمعیت آماری شامل همه کلیه دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان است. در زمان اجرای پژوهش حاضر، این دانشگاه دارای ۱۹۲۸ دانشجوی خوابگاهی (تا پایان سال تحصیلی ۸۶-۸۵) بوده است.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۲۰ نفر به دست می‌آید. با پیش‌بینی ریزش احتمالی نمونه - که در این مطالعه به دلیل شکل اجرای پرسشنامه ممکن است بیش از پژوهش‌های مشابه باشد - حدود ۱۰ درصد به حجم نمونه افزوده می‌شود. در نهایت ۳۵۲ نفر برای نمونه اصلی پژوهش تعیین می‌شود.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیتی نمونه

از نمونه مورد مطالعه که شامل ۳۲۶ نفر بوده است، ۱۶۰ نفر مرد و ۱۶۶ نفر زن بوده‌اند. بنابراین، از این نمونه ۴۹/۱ درصد را مردان و ۵۰/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این نسبت جنسیتی در نمونه

مطالعه با نسبت جنسیتی جمعیت آماری پژوهش نیز، که شامل ۹۴۴ نفر پسر (۴۸/۹۶ درصد جمعیت مطالعه) و ۹۸۴ نفر دختر (۵۱/۰۴ درصد جمعیت مطالعه)، بود تقریباً برابر است. از نظر توزیع سنی، بیشترین فراوانی نمونه مورد مطالعه متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال است که ۵۲/۱ درصد از نمونه را به خود اختصاص داده اند. در مقابل، فقط ۶/۹ درصد آنان ۲۵ سال و بالاترند. همچنین، از لحاظ وضعیت تأهل، ۹۵/۷ درصد نمونه مورد بررسی مجرد و ۳/۱ نیز متأهل بوده‌اند. در نهایت، درباره توزیع جمعیتی نمونه نسبت به مقطع تحصیلی باید گفت ۸۹ درصد از آنان در مقطع کارشناسی بوده و فقط ۲/۸ درصد در مقطع کاردانی در حال تحصیل بودند. علاوه بر این، ۷/۴ درصد نیز در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند.

میانگین دینداری جمعیت نمونه

برای نشان دادن میانگین دینداری جمعیت نمونه، شاخص دینداری کل محاسبه شده‌است. برای آنکه یک نوع همسانی و هماهنگی منطقی بین نمرات دینداری در کل و در ابعاد آن با طیف به کار رفته در گویه‌های پرسشنامه برقرار شود، نمرات دینداری در همه موارد در محدوده ۱ تا ۵ محاسبه شده‌است. بر این اساس، میانگین نمرات کل دینداری دانشجویان مورد مطالعه ۳/۷۹ است. این میزان در سطحی بالاتر از متوسط و نزدیک به بالا قرار دارد (با در نظر گرفتن میانگین ۳ متناظر با سطح متوسط و ۴ متناظر با سطح بالا). این یافته نشان می‌دهد که شاخص دینداری کل جمعیت نمونه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد.

جدول ۲. میانگین نمرات دینداری کل و ابعاد آن

انحراف معیار	میانگین	بعد دینداری
۰/۵۳	۳/۷۹	دینداری کل
۰/۵۶	۴/۴۷	اعتقادات
۰/۷۵	۳/۱۸	عبادیات
۰/۵۷	۳/۷۷	اخلاقیات
۰/۷۰	۳/۸۰	شرعیات

در میان ابعاد متفاوت نمرات دینداری نیز بیشترین میانگین نمره با ۴/۴۷ مربوط به بعد اعتقادات است. در اینجا باید یادآور شد که بعد اعتقادات دینداری هم شامل باورهای دینی و هم داشتن معلومات دینی می‌شود. این دو مولفه در الگویی، همچون الگوی گلاک و استارک، دو بعد متمایز دینداری را تشکیل می‌دهند. اما در الگوی شجاعی‌زند در کل یک بعد را تشکیل می‌دهند؛ زیرا شجاعی‌زند در مقام طراح این الگو معتقد است داشتن معلومات دینی از نشانه‌های دینداری و تعمیق باورهای دینی است.

از مجموع دو گویه مربوط به سنجش معلومات دینی جمعیت نمونه، ۳۵/۳ درصد، یعنی بیش از یک سوم نمونه به هر دو پرسش در این باره پاسخ نادرست داده‌اند یا پاسخ آنها را نمی‌دانسته‌اند. در مقابل، ۴۲/۳ درصد نیز حداقل پاسخ یکی از دو پرسش مربوط به معلومات دینی را نادرست داده‌اند یا نمی‌دانسته‌اند. در این مورد، فقط ۲۲/۴ درصد از پاسخگویان پاسخ هردو سوال را به درستی می‌دانسته‌اند. اگر به حالت‌های متفاوت طیف «پاسخ نادرست به هردو پرسش» تا «پاسخ درست به هردو پرسش» به

ترتیب نمرات ۱ تا ۳ اختصاص دهیم، میانگین نمرات معلومات دینی جمعیت نمونه برابر با ۱/۸۷ خواهد شد که زیر نمره سطح متوسط، یعنی میانگین ۲ است. با وجود آن که میانگین معلومات دینی جمعیت نمونه زیر حد متوسط است، نمره کل بعد اعتقادات در سطحی بالا و حتی بالاتر از سایر ابعاد دینداری است. این امر نشان می دهد که سطح بسیار بالای میانگین اعتقادات و باورهای دینی جمعیت نمونه که برابر با ۴/۷۵ در محدوده ۱ تا ۵ است، تا حد زیادی بر بالا رفتن میانگین نمرات بعد اعتقادات اثر گذارده است. همچنین، با توجه به یافته‌های تحقیق، بعد عبادیات، با میانگین ۳/۱۸، کمترین شاخص را در میان ابعاد دیگر دینداری دارد. با توجه به این یافته‌ها نیز باید گفت، انجام عبادت‌های فردی و جمعی در مجموع کمترین شاخص را در میان ابعاد دیگر دینداری دانشجویان داشته است. این نتیجه به نوعی با شهود تجربی ما نیز همخوانی دارد؛ زیرا در عمل نیز بر اساس شهود تجربی مبتنی بر زندگی روزمره خود نیز مشاهده می کنیم که میزان تقید در به جا آوردن واجبات دینی عبادی، مانند نماز خواندن و روزه گرفتن، در مقایسه با مواردی مانند اعتقاد به وجود خدا و روز قیامت پایین تر است. از میان دو مؤلفه بعد عبادیات، یعنی «انجام فردی عبادت» و «انجام جمعی عبادت»، شاخص مؤلفه فردی انجام فردی عبادت با میانگین ۳/۵۴ بالاتر از شاخص مؤلفه جمعی این بعد است که میانگین ۲/۸۳ را نشان می دهد. چنان که مشاهده می شود، مولفه جمعی انجام عبادت زیر حد متوسط، یعنی میانگین نمرات ۳، است.

در مقابل، دو بعد شرعیات و اخلاقیات به ترتیب با میانگین ۳/۸۰ و ۳/۷۷ میانگین نمره بالاتری را نشان می دهند. این دو بعد به نوعی نشان دهنده پیامدهای اعتقادات و باورهای دینی در عمل و زندگی فردند. بعد اخلاقیات دانشجویان، که مبتنی بر رعایت و تقید به اصول اخلاق اسلامی در زندگی است میانگینی نزدیک به سطح بالا (میانگین نمرات ۴) را نشان می دهد.

بعد شرعیات نیز که بیشتر معطوف به رعایت حدود الهی، دوری از محرمات و درنظر داشتن ضوابط و ملاک‌های دینی در زندگی روزمره است، میانگین نسبتاً بالایی دارد (۳/۷۷). این بعد از دینداری دانشجویان دو مولفه «عمل به تکالیف فردی» و «عمل به تکالیف جمعی» دارد. از میان این دو بعد، بعد عمل به تکالیف فردی با میانگین ۳/۹۹ شاخص بالاتری نسبت به مولفه دیگر این بعد، یعنی «عمل به تکالیف جمعی» با میانگین ۳/۵۳، دارد.

جدول ۳. سطح بندی دینداری کل و ابعاد آن

سنجه	سطوح دینداری		
	پایین	متوسط	بالا
شجاعی زند	دینداری کل	۲/۸	۶۹/۶
	اعتقادات	۰/۹	۹۶/۶
	عبادیات	۱۵/۰	۳۳/۱
	اخلاقیات	۳/۱	۷۶/۱
	شرعیات	۵/۵	۶۸/۱

برای آنکه شناخت بهتری از سیمای نمرات دینداری نمونه مورد مطالعه داشته باشیم، باید نمرات کل دینداری را در سه سطح پایین، متوسط و بالا طبقه بندی کنیم. برای سطح بندی دینداری در هر یک از

سنجه‌ها و ابعاد دینداری در آنها، میانگین نمرات بین ۱ تا ۲/۴۹ را در سطح پایین، از ۲/۵ تا ۳/۵ را در سطح متوسط و از ۳/۵۱ تا ۵ را در سطح بالای دینداری طبقه‌بندی کرده‌ایم. بر این اساس، ۶۹/۶ درصد دارای دینداری سطح بالا تشخیص داده شده‌اند. در مقابل فقط ۲/۸ درصد دینداری سطح پایین داشته‌اند. در مقایسه سطوح گوناگون دینداری در هر یک از ابعاد آن، باز هم یافته‌های به دست آمده از مقایسه میانگین نمرات ابعاد مختلف دینداری تایید می‌شود. ۱۵/۰ درصد از دانشجویان نمونه در بعد عبادیات دارای دینداری سطح پایین‌اند که این میزان، بیشترین فراوانی سطح پایین در میان تقاطع‌های دیگر جدول دو بعدی سطوح دینداری و ابعاد متفاوت آن است. این یافته تأییدکننده نتیجه حاصل از مقایسه میانگین نمرات ابعاد دینداری است که بر اساس آن میانگین دینداری بعد عبادیات کمتر از سایر ابعاد دینداری بوده است. در این بعد، کمتر از یک سوم جمعیت نمونه دارای سطح بالای دینداری‌اند. همچنین، ۹۶/۶ درصد از نمونه مورد مطالعه دارای سطح بالایی از دینداری در بعد اعتقادات‌اند. این میزان نشان می‌دهد که بعد اعتقادات، بیشترین فراوانی افراد نمونه را در سطح بالای دینداری به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر، باز هم یافته به دست آمده از میانگین نمرات ابعاد دینداری به نوعی دیگر در اینجا تأیید و نشان داده می‌شود که سطح دینداری جمعیت نمونه، در بعد اعتقادات، بیشتر از سایر ابعاد دینداری است.

وضعیت چند معرف مهم دینداری در جمعیت نمونه

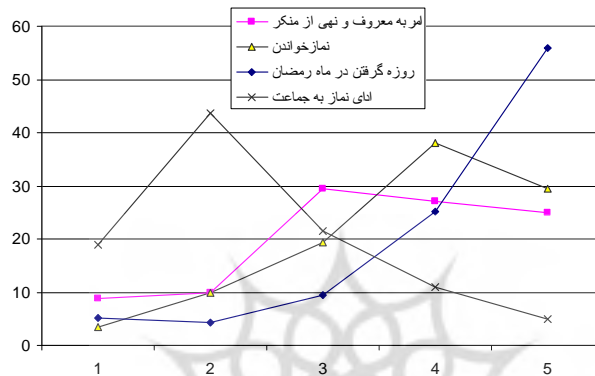
برای آنکه تصویر دقیق‌تر و عینی‌تری از وضعیت دینداری جمعیت نمونه عرضه کنیم، چند معرف مهم شامل داشتن معلومات دینی، نمازخواندن، روزه گرفتن، ادای نماز به جماعت و قرآن خواندن را درباره جمعیت نمونه بررسی و مقایسه می‌کنیم.

داشتن معلومات دینی که به منزله رأی ذیل بُعد اعتقادات دینی تعریف می‌شود، از این جهت در الگوی سنجش دینداری شجاعی‌زند اهمیت دارد که یکی از نشانه‌های دینداری در بعد اعتقادات تلقی می‌شود. این تلقی در مقابل تلقی گلاک و استارک از دانش یا معلومات دینی قرار می‌گیرد، زیرا در الگوی گلاک و استارک، معلومات دینی خود بعدی مستقل از دینداری را تشکیل می‌دهند. در واقع، اهمیت این مؤلفه دینداری از نقد شجاعی‌زند به گلاک و استارک درباره خلط ابعاد دینداری با نشانه‌های آن ناشی می‌شود. از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران داخلی (سراج‌زاده، ۱۹۹۸؛ طالبان، ۱۳۷۸ به نقل از خداپاری‌فرد، ۱۳۸۴) بعد دانش دینی را از ابعاد پنج‌گانه الگوی گلاک و استارک حذف کرده و با چهار بعد این الگو دینداری را تعریف عملیاتی می‌کنند. آنها معتقدند در جوامعی مانند ایران که آموزش‌های رسمی دینداری وجود دارد، سنجش دانش دینی افراد واریانس قابل توجهی ندارد. همین مسئله به نوبه خود بر اهمیت بررسی فراوانی پاسخ‌های مختلف به سوالات مربوط به معلومات دینی در سنجه شجاعی‌زند می‌افزاید.

در پرسشنامه پژوهش حاضر، دو پرسش برای سنجش معلومات دینی دانشجویان مورد مطالعه گنجانده شده است. در نخستین سوال از افراد پرسیده شده که کدام یک از گزینه‌های مطرح شده (سلام نماز، تکبیره الاحرام، قیام متصل به رکوع) جزء ارکان نماز نیست. در دومین سوال نیز پرسیده شد که

پیامبر(ص) در چه ماهی به پیامبری مبعوث شد؟ در پاسخ به سوال نخست ۶۲/۶ درصد افراد پاسخ نادرست داده‌اند یا پاسخ صحیح را نمی‌دانسته‌اند. درباره سوال دوم نیز ۵۰/۳ درصد پاسخ نادرست داده‌اند یا پاسخ صحیح را نمی‌دانسته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف نظر برخی پژوهشگران، مولفه یا بعد دانش دینی دارای واریانس قابل توجهی است.

برای مقایسه بهتر وضعیت سایر معرف ها، درصد فراوانی پاسخ‌های مربوط به گزینه‌های انجام هریک از مناسک یا عبادت‌های مورد نظر (از هیچ‌گاه تا همیشه) در نموداری واحد به تصویر در آمده‌اند.



نمودار شماره ۱. منحنی توزیع فراوانی در مورد چهار معرف مهم عملی دینداری

(۱- هیچ‌گاه، ۲- به ندرت، ۳- گاهی، ۴- اغلب، ۵- همیشه)

چنان که در نمودار دیده می‌شود، نقطه اوج توزیع فراوانی جمعیت نمونه در نماز خواندن به سمت گزینه «اغلب اوقات» گرایش دارد. این در حالی است که درباره ادای نماز به جماعت، به عکس این روند، نقطه اوج توزیع فراوانی در سطح «به ندرت» مشاهده می‌شود. در زمینه انجام امر به معروف و نهی از منکر، این توزیع فراوانی به شکل توزیع نرمال نزدیک‌تر است و فراوانی سطح میانی، یعنی گزینه «گاهی اوقات» بیشتر است. در این زمینه، فراوانی گزینه‌های «اغلب» و «همیشه» بیشتر از گزینه‌های «به ندرت» یا «هیچ‌گاه» است. در نهایت، این که درباره روزه گرفتن در ماه رمضان، نمودار توزیع فراوانی به شدت به سمت گزینه‌های «همیشه» و «اغلب اوقات» گرایش دارد.

روند منحنی‌های توزیع فراوانی درباره چهار معرف یادشده نشان می‌دهد که دو معرف روزه گرفتن و نماز خواندن به سمت راست گرایش دارند که به معنای تقید زیاد یا حداقل بالاتر از حد متوسط افراد مورد مطالعه به این عبادت‌هاست. در مقابل، منحنی توزیع فراوانی ادای نماز به جماعت در این زمینه گرایش به سمت چپ و تقید کم و خیلی کم در به جای آوردن این عبادت دارد. در عین حال، توزیع فراوانی درباره فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیشتر از سه مورد دیگر به توزیع نرمال نزدیک است.

در تبیین شکل منحنی‌های توزیع فراوانی در زمینه چهار معرف مورد بررسی باید به عوامل افزاینده یا کاهنده احتمالی در هر زمینه توجه داشت. مثلاً درباره انجام امر به معروف و نهی از منکر که از معرف‌های مؤلفه جمعی بعد شریعات به حساب می‌آید، وجود آن در دین اسلام را می‌توان افزاینده دانست. اما در

مقابل، عواملی مانند عملی بودن و سختی آن به سبب لزوم عمل و در واقع ترس از برخوردهای متعاقب طرف مقابل در امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان از عوامل کاهنده در این مورد دانست. همچنین، درباره نمازخواندن باید گفت که وجوب آن و عدم نیاز به رفتن در مکانی خاص برای ادای این فریضه را می‌توان افزایش‌دهنده نرخ این معرف دانست، در مقابل، وقت نماز، مثلاً واقع شدن وقت نماز صبح در ابتدای روز یا نماز ظهر و عصر در میانه زمان کاری، تکرر آن در پنج نوبت روز و نیز مواردی مانند لزوم وضو ساختن پیش از نمازخواندن، حتی در وضعیت سختی مانند سرمای زمستان و نیز وضعیت صحت وضو و نماز را می‌توان از عوامل کاهنده آن دانست. درباره نماز جماعت، به این عوامل کاهنده، مواردی مانند لزوم به جا آوردن در جمع و در مکانی خاص و تعیین شده، آن هم در اوقاتی مانند ساعت اوج کار را باید افزود. همین عوامل کاهنده می‌تواند موجب پایین‌تر آمدن نرخ ادای نماز به جماعت در مقایسه با نمازخواندن به صورت فردی باشد.

درباره روزه گرفتن، علاوه بر عواملی افزایش‌دهنده‌ای مانند وجوب آن، می‌توان عوامل دیگری را مانند عدم تکرر و واقع شدن زمان ادای آن فقط در یک ماه از سال و نیز به تبع این اوضاع، ایجاد تنوع در وضعیت زندگی فرد و نیز جنبه‌های ملموس و مثبت بهداشتی، مانند کمک به سلامت جسمانی فرد، به عوامل افزایش‌دهنده آن افزود. در عین حال، عملی بودن به نوبه خود ممکن است عاملی کاهنده باشد. اما در عین حال، مشاهده می‌شود که مجموعه عوامل افزایش‌دهنده این معرف، منحنی توزیع فراوانی آن را به شدت به سمت راست (سطح بالای دینداری) گرایش داده است.

اگر به پاسخ‌های طیف پنج‌گزینه‌ای چهار مولفه مورد بررسی به ترتیب از جهت پایین دینداری (به جا نیاوردن یک فریضه یا عبادت به هیچ وجه) تا سمت بالای دینداری (یعنی ادای همیشگی و مرتب یک فریضه)، به ترتیب نمرات ۱ تا ۵ اختصاص دهیم، مقایسه میانگین نمرات این مولفه‌ها می‌تواند تصویری بهتری از وضع آنها در مقایسه با هم به دست دهد.

بر این اساس، روزه گرفتن با ۴/۲۲ بیشترین میانگین را در بین چهار مولفه مورد بررسی دارد در مقابل، نماز جماعت با ۲/۳۹ کمترین میانگین دارد. در عین حال، نمازخواندن در سطحی نزدیک به بالا (با در نظر گرفتن میانگین ۴ برای سطح بالا) قرار دارد و میانگین ۳/۸۱ را نشان می‌دهد. میانگین مؤلفه امر به معروف و نهی از منکر نیز ۳/۴۹ است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر شکل منحنی توزیع فراوانی، میانگین مولفه‌های مورد بررسی نیز حکایت از آن دارد که شاخص ادای نماز به جماعت در کمترین سطح در میان ۴ مولفه عملی مورد قرار دارد. در این مورد، روزه گرفتن در ماه رمضان، همچنان که از یک منحنی توزیع فراوانی به شدت چوله به سمت راست برخوردار است، بالاترین سطح میانگین را نیز در میان این چهار مولفه به خود اختصاص داده است. این یافته نشان می‌دهد که میانگین تقید به روزه در ماه‌های رمضان از میانگین تقید به نماز نیز بیشتر است که می‌تواند در نوع خود جالب توجه بوده و احتمالاً تحت تأثیر عوامل افزایش‌دهنده‌ای باشد که در بالا به آنها اشاره شد.

نتيجه گيرى

مهم‌ترين يافته اين پژوهش اين است كه ميانهگين ديندارى كل جمعيت نمونه بالاتر از سطح متوسط و نزديك به بالا است. اين يافته نشان مي‌دهد كه ميزان ديندارى دانشجويان مورد مطالعه بالاتر از سطح متوسط است. در عين حال، ميانهگين ديندارى ابعاد مختلف ديندارى تا حدودى با هم متفاوت است. ميزان ديندارى بعد اعتقادات بالاتر از ساير ابعاد است. در مقابل، ميزان ديندارى بعد عباديات در سطحى نزديك به متوسط است. در اين ميان، معرف ديندارى در مولفه فردى بعد عباديات در سطحى بالاتر از متوسط است (ميانهگين ۳/۵۴). اما در مقابل، معرف ديندارى در مولفه جمعى بعد عباديات در سطح زير متوسط است (۲/۸۳). پايين‌تر بودن سطح ديندارى در مولفه جمعى بعد عباديات نسبت به مولفه جمعى اين بعد مي‌تواند نشانه‌اى از عرفى شدن نسل سوم در جامعه ايران باشد. در واقع، اگر قايل به تعريف عرفى شدن به مثابه فرايندى اجتماعى باشيم كه در آن، دين از حوزه عمومى به حوزه خصوصى افراد كشانده مي‌شود، پايين‌تر بودن مولفه‌هاى جمعى ديندارى را نسبت به مولفه‌هاى فردى آن بايد نشانه‌اى از وجود چنين روندى در ميان جمعيت جوان ايران بدانيم. چنين استنباطى با توجه به مقايسه ميانهگين دو مولفه «عمل به تكاليف فردى» و «عمل به تكاليف جمعى» در بعد شرعيات ديندارى نيز مشاهده مي‌شود. در اين موارد نيز ميانهگين ديندارى در مولفه جمعى بعد شرعيات از مولفه فردى آن كمتر است (ميانهگين ۳/۵۳ در مقابل ۳/۹۹). سطح ديندارى دانشجويان مورد مطالعه در بعد اخلاقيات ديندارى نيز در سطحى نزديك به بالا قرار دارد.

در مجموع، نتايج اين مطالعه نشان مي‌دهد كه ميانهگين ديندارى كل جمعيت نمونه در سطح بالايى قرار دارد. با اين وجود، بعد اعتقادات ديندارى دانشجويان مورد مطالعه در سطحى بالاتر از ابعاد عملى ديندارى آنان قرار دارد. در عين حال، با وجود حكومت دينى در جامعه ايران، فرضيه‌اى مهم براى بررسى در جامعه ايران پيش رو قرار مي‌گيرد و آن، اين كه جامعه ايران به طور عام و جوانان به طور خاص در مسير عرفى شدن قرار دارند. پيشرفت اين روند با وجود حكومت دينى مي‌تواند قابل ملاحظه و محل تأمل جدى باشد. اين مسئله به نوبه خود مي‌تواند موضوع پژوهشى جداگانه باشد.

منابع

- پوپافر، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ بررسى مقايسه‌اى سنجه‌هاى ديندارى، پايان‌نامه كارشناسى ارشد پژوهش علوم اجتماعى، دانشگاه تربيت معلم تهران.
- خداييارى فرد، محمد (۱۳۸۴) گستره پژوهش‌هاى داخلى در زمينه ساخت مقياس‌هاى دينى، گزيده مقالات همائش مبائى نظرى و روان‌سنجى مقياس‌هاى دينى، چاپ اول، صص ۴۴۹-۵۰۹
- خداييارى فرد، محمد (۱۳۸۵)؛ آماده‌سازى و هنجارياى مقياس سنجش ديندارى دانشجويان؛ دانشگاه تهران؛
- دوركيم، اميل (۱۳۸۳)؛ صور بنيائى حيات دينى؛ ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمى، تهران؛ چاپ اول

- سراجزاده، سید حسین؛ بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی؛ ۱۳۸۳؛ چالش‌های دین و مدرنیته؛ انتشارات طرح نو؛ صص ۸۷-۵۷
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)؛ مدلی برای سنجش دینداری در ایران؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۶۶-۳۴
- گلزاری، محمود (۱۳۸۴)؛ فرم تجدید نظر شده مقیاس عمل به باورهای دینی، چکیده مقالات همایش مبانی نظری و روانسنجی مقیاس‌های دینی؛ موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

منابع لاتین

- Albelakhi, Abdulaziz Abdurrahman. "Development of a Muslim Religiosity Scale". 1997. PhD. Dissertation. University of Rhode ISLAND.
- Faulkner. Joseph E. and Gordon F. De Jong. (Dec.,1966), "religiosity in 5-d: an empirical analysis". Social Forces., Vol 45. No.2, PP.246-254
- Hill. Peter and Houd. Ralf, "Measures of Religiosity". 1998, Religious Education Press.
- Kaldestad. Eystein and Hans Stifoss-Hanssen., 1993 "Standardizing Measures of Religiosity for Norwegians". International Journal for Psychology of Religion. Vol.3, No.2, pp.111-124
- Serajzadeh. Seyed Hossein, 1998, "Muslims Religiosity & Delinquency: An Examination of Iranian Youth" PhD. Dissertation Essex University

گویه‌های پرسشنامه نهایی بر اساس الگوی شجاعی‌زند

گویه	مؤلفه بعد	بعد دینداری
تمام هستی مخلوق خداوندی است که شریکی ندارد	اعتقادات و باورها	اعتقادات
محمد(ص) از جانب خدا به پیامبری مبعوث شده‌است		
قرآن کتاب الهی و کلام خداست و هرآنچه می‌گوید حقیقت محض است		
در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود. نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهندرفت		
کدام یک از موارد زیر جزو ارکان نماز «نیست»؟	داشتهن معلومات دینی	
۱- سلام‌نماز ۲- تکبیره‌الاحرام ۳- قیام متصل به رکوع پیامبر اسلام در چه ماهی به پیامبری مبعوث شد؟		
۱- رجب ۲- شعبان ۳- ربیع الاول	انجام فردی عبادت	عبادات
آیا نماز می‌خوانید		
چقدر پیش می‌آید که بدون هرگونه عذر شرعی روزه‌های ماه رمضان خود را نگیرید	انجام جمعی عبادت	
تا چه حد قرآن می‌خوانید		
تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب‌های احیا در ماه رمضان هستید		
هرچند وقت یک بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید		
تا چه حد در مجالس دعا در مساجد، هیات‌ها و اماکن مذهبی شرکت می‌کنید	-	اخلاقیات
وقتی با کسی قرار می‌گذارم یا قولی به کسی می‌دهم، سعی می‌کنم تا حد امکان به موقع به قولم عمل کنم		
در هیچ وضعی حاضر به دروغ گفتن نیستم		
در کمک به دیگران انتظار جبران متقابل ندارم		
آزار و اذیت دیگران را فراموش نمی‌کنم، اما آن‌ها را می‌بخشم	عمل به تکالیف جمعی	
در حد توان اهل امور خیر هستم		
در صورت اقتضای شرایط اهل امر به معروف و نهی از منکر هستم		
با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم		
در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم	تکالیف فردی	شرعیات
آیا اهل شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها هستید		
از نظر من آرایش غلیظ زن در مقابل مردان نامحرم هیچ اشکالی ندارد		
از نظر من پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان چه برای مردان و چه زن، اشکالی ندارد		
از نظر من استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد (ویژه مردان)		
در وقتی دستم به چیز نجسی آلوده می‌شود در اولین فرصت آن را می‌شویم		
دینداری تنها به قلب پاک است، نه عمل به دستورات دینی		
از نظر من نگاه همراه با لذت به نامحرم حرام است		
از نظر من خوردن شراب(نوشیدنی الکلی) حرام است		
در مقابل مردان نامحرم موهایم را کاملاً می‌پوشانم(ویژه زنان)		